

علی صلاحی - مدیر آموزشی کلاس‌های آقای تارخ - حضور داشتیم. فکر کنم مجموعاً چیزی حدود دو سال آن‌جا شاگرد بودم و یاد می‌گرفتم.

آن موقع با نام خانوادگی مهراد در کلاس‌ها حضور داشتی؟  
نه. آن موقع سهیلی بود.

پس همه به چشم پسر سعید سهیلی به تو نگاه می‌کردند! فکر کنم نام خانوادگی را از همان‌جا عوض کردی. دقیقاً از همان موقع‌ها بود.

هم در سریال «آقازاده» بازی کردی و هم در فیلم «ژن خوک» که به نوعی طعنه به آقازاده در عرصه هنر بودی نوعی آقازاده در عرصه هنر بودی که سعی کردی از آن فرار کنی؛ هم با توجه به تغییر نام خانوادگی‌ات و هم حتی با توجه به آن چه از قول تو مبنی بر این خوانده‌ام که زمانی بدون معرفی خودت به مؤسسات و دفاتر سینمایی می‌رفتی و تست می‌دادی. خودت چه نگاهی به آقازاده‌داری؟

نگاهم به آقازاده‌بودن از مسیر حرکت شخصی است. جوری حرکت کرده‌ام که مثل آن‌ها نباشم. دقیق‌تر بگویم: مثل نمونه‌های بدش نباشم. چون مانمی‌توانیم بگوییم همه چیز بد است یا صددرصد یک چیز را بزنی. من فکر می‌کنم آقازاده خوب هم وجود دارد. اما شاید آن قدر کم‌تعدادند که ندیده‌ایم. ولی ما سعی کردیم یک یا دو بار آقازاده خوب را از طریق سریال ساختن نشان دهیم. به خاطر همین آن کاراکتر حالتی اسطوره‌ای و افسانه‌ای پیدا کرده بود و می‌گفتند چنین شخصیتی وجود ندارد. واقعیت هم این است که این شخصیت‌ها خیلی کم‌تعدادند. ما بازیگران به خاطر شغلی که داریم، با افرادی از صنف‌های مختلف (تجاری، سیاسیون و...) برخورد می‌کنیم. آقازاده معروف هم زیاد به پست من خورده است. شخصاً این‌گونه نیست که اگر بدنام فردی آقازاده و در کار سیاست است، به او فحش بدهم یا با او ارتباط برقرار نکنم. با یک مکالمه یا ملاقات اول، می‌فهمم که آن آقازاده خوب است یا بد؛ ژن خوک است یا ژن خوب. اگر بد باشد، سریع ارتباطم را قطع می‌کنم. نمی‌دانم. شاید کسانی باشند که پز بدهند که با پسر فلانی رفیق‌اند و می‌توانند از او پوئن بگیرند. ولی در مورد خودم پیش آمده که یک آقازاده ده بار به من زنگ زده و چون متوجه شخصیت او شده‌ام جواب نداده‌ام. اما آقازاده‌های مذهبی خوبی هم می‌شناسم که می‌دانم آدم‌های پاک‌اند.

خودت هم پله پله بالا آمدی و از آن‌ها نبودی که بخواهی از آقازادگی



وقتی مدام خودت را نقد کنی، ایرادات خود را می‌فهمی. خیلی جاها حسن بازی‌ام قوی بود و تماشاگر عام با آن ارتباط برقرار می‌کرد. اما بعد که از نظر تکنیک بازیگری نگاه می‌کردم، می‌دیدم خیلی خوب نیست



نگاهم به آقازاده‌بودن از مسیر حرکت مشخص است. جوری حرکت کرده‌ام که مثل آن‌ها نباشم. دقیق‌تر بگویم: مثل نمونه‌های بدش نباشم. چون مانمی‌توانیم بگوییم همه چیز بد است یا صددرصد یک چیز را بزنی. من فکر می‌کنم آقازاده خوب هم وجود دارد. اما شاید آن قدر کم‌تعدادند که ندیده‌ایم



پلان اول که شروع شود وارد رینگ شده‌ای و هیچ تکراری برایت وجود ندارد.

پس خودت هم این فکر را می‌کردی که مدام داری بهتر می‌شوی؟

صددرصد. می‌گویند یکی از سکانس‌های خوب بازی من در «شادروان» همان مونولوگی است که راجع به مارادونا می‌گویم. دیروز ۷ یا ۸ بار آن سکانس را در گوشی‌ام نگاه کردم و با دوستانم صحبت می‌کردم که بازی‌ام در این سکانس خوب است یا نه. و بعد می‌گفتم «در این یک ثانیه از حس بیرون آمده‌ام». همین جور که کارهای دیگری انجام می‌دهم، دارم خودم را تحلیل می‌کنم.

خانواده‌ات چه؟ خیلی نقدت می‌کنند؟

اعضای خانواده ما این جور‌اند که وقتی سکوت می‌کنند یعنی تو بد کار کرده‌ای. چون اگر خوب باشی از تو تعریف می‌کنند. سر «پدر»، «آقازاده» و «ژن خوک» نه پدرم کار مرا نقد (یا از آن تعریف) کرد و نه ساعد. اما سر اکران فیلم «شادروان» در برج میلاد، پدرم بعد از اتمام فیلم از برج میلاد رفت. من هم آن‌جا درگیر بودم. اما وقتی توانستم تلفنی با او صحبت کنم، بیست دقیقه داشت تعریف می‌کرد.

کلاس بازیگری هم رفته‌ای؟

یک سال شاگرد خانم آزیتا حاجیان بودم و بعد از آن که خانم حاجیان باید به یک سفر طولانی مدت می‌رفتند، زیر نظر آقای

مطمئن باش اگر به شبکه نمایش خانگی بیاید و دوباره ببینم پیش خودم می‌گویم چقدر بد بازی کرده‌ام. همه‌اش دارم خودم را نقد می‌کنم. خودم هم از این موضوع خسته شده‌ام! اسم نمی‌آورم ولی الآن که سکانس‌های فیلم‌های قبلی‌ام را در فضای مجازی می‌بینم، نمی‌توانم تحمل‌شان کنم و از آن‌ها رد می‌شوم. خیلی جاها از بازی خودم بدم می‌آید. به‌خاطر همین مطمئنم که کار بعدی‌ام از «شادروان» خیلی بهتر خواهد بود. وقتی مدام خودت را نقد کنی، ایرادات خود را می‌فهمی. خیلی جاها حسن بازی‌ام قوی بود و تماشاگر عام با آن ارتباط برقرار می‌کرد. اما بعد که از نظر تکنیک بازیگری نگاه می‌کردم، می‌دیدم خیلی خوب نیست.

از طرف دیگر، اوایل کار با دوستانم پلاتو می‌گرفتم و تمرین می‌کردیم. من و دوستانی که دغدغه همه‌شان مثل خودم سینما بود، یا در پلاتو یا در خانه دور هم جمع می‌شدیم، حرف می‌زدیم، نقد می‌کردیم، بازی می‌کردیم، سر به سر هم می‌گذاشتیم. در دو - سه سال اول این پلاتو رفتن‌ها و تمرین بیان و بدن خیلی خوب بود. الآن مشغله کاری این اجازه را نمی‌دهد. اما اگر کاری برابم جدی شود و بگویم سر این کار می‌روم، دیگر هر کاری را که خارج از آن فیلم داشته باشم می‌گذارم کنار و صددرصد تمرکز روی آن کار خواهد بود. پروسه پیش تولید موقع خوبی برای تمرین بازیگری است. قشنگ می‌توانی تمرین کرده و خودت را برای ورود به رینگ گرم کنی. چون